



## حکومت

حکومت به توسعه یا تضییق تعبدی **دلیل محکوم**، توسط **دلیل حاکم** اطلاق می‌شود.

حکومت چهار معنی دارد:

۱. به معنای ناظر و مفسر بودن دلیلی نسبت به دلیلی دیگر.
۲. حکومت مقابل کشف.
۳. قضاوت.
۴. اربش جنایت.

### فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف
- ۱.۱ - معنای نظارت و تفسیر در تعریف
- ۲ - دیدگاه‌ها درباره تحقق حکومت
- ۳ - نکته
- ۴ - تعریف حکومت به معنای ناظر و مفسر بودن و کاربرد آن
- ۵ - شباهت و تفاوت حکومت و تخصیص
- ۶ - تفاوت حکومت و ورود
- ۷ - تعریف حکومت در مقابل کشف و کاربرد آن
- ۸ - مقالات مرتبط
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

### تعریف

حکومت، به معنای نظارت یک دلیل بر دلیل دیگر به منظور **تفسیر** آن است، چه دلیل حاکم، موضوع دلیل محکوم را تفسیر نماید، چه متعلق آن را و چه حکم آن را.<sup>[۱] [۲]</sup>

### ← معنای نظارت و تفسیر در تعریف

این نظارت و تفسیر می‌تواند به صورت توسعه و یا تضییق باشد، هر چند این **توسعه** و تضییق حقیقی نیست، بلکه تعبدی است، مانند این که دلیلی بگوید: **خمر حرام** است و دلیل دیگر بگوید: هر مسکری خمر است؛ در این جا دلیل دوم که ناظر به دلیل اول است و برای بیان و تفسیر آن وارد شده، دایره موضوع دلیل اول را توسعه داده است، البته باید توجه داشت که این توسعه تعبدی است؛ یعنی **شارع** حکم می‌کند که **خمر** تنها مایع مست کننده گرفته شده از **انگور** نیست، بلکه به **فَقَاع** (آب جو) و **نَبِذ** (عصاره کشمش) و غیره نیز اطلاق می‌گردد. این تصرفی تعبدی در موضوع است، که عالم تکوین، آن را تایید نمی‌کند؛ بنابراین، در حکومت، دلیل حاکم به طور تعبدی نه حقیقی دلیل محکوم را توسعه داده و یا تضییق می‌کند.

در کتاب «**انوار الاصول**» آمده است:  
«و الحكومة عبارة عن ان يكون دليل ناظراً الى دليل آخر و مفسراً له و موجباً للخروج عن الموضوع (او المتعلق او الحكم) ولكن تعبداً لا حقيقة كقولك «زيد ليس بعالم» بالنسبة الى قولك «اکرم العلماء» و كذلك دخول موضوع فی احدهما توسعه بالتعبد».<sup>[۳]</sup>

### دیدگاه‌ها درباره تحقق حکومت

از کلمات بعضی از **اصولیان** هم چون مرحوم «**شیخ انصاری**» به دست می‌آید که «دلیل محکوم» باید قبل از «دلیل حاکم» تحقق پیدا نماید، به گونه‌ای که اگر دلیل محکوم از مولا صادر نشده باشد، تحقق دلیل حاکم، لغو و بیهوده است. اما بعضی دیگر از اصولیان این نظر را رد نموده و **اعتقاد** دارند حتی اگر دلیل حاکم، پیش از دلیل محکوم تحقق پیدا کند، حکومت محقق می‌گردد و مصداق بارز آن را حکومت **امارات** بر **اصول عملی** می‌دانند؛ زیرا حتی اگر اصول عملی وضع نمی‌شد، وضع امارات لغو و بیهوده نمی‌بود.<sup>[۴]</sup>

### نکته

بحث حکومت و **ورود** به ابتکار مرحوم «شیخ انصاری» در اصول پدید آمده است، هر چند برخی اعتقاد دارند تفاوت این دو خیلی روشن نیست.<sup>[۵]</sup> مرحوم «**محقق نایینی**»، تعریف دیگری از حکومت ارائه داده است. وی می‌گوید: در حکومت، یکی از دو دلیل به مدلول مطابقی‌اش باعث تصرف در عقداً

دلیل دیگر (به اثبات یا نفی) یا عقدا الحامل دلیل دیگر (به توضیح) می‌شود. در نظر وی، نتیجه حکومت، **تخصیص** است، همان گونه که نتیجه ورود، **تخصص** است. با این تعریف دیگر لزومی ندارد که دلیل حاکم بر دلیل محکوم ناظر باشد.

مرحوم «محقق نائینی» به خلاف مشهور، حکومت را از مصادیق **تعارض** بدوی ندانسته و معتقد است میان دو دلیل در **حقیقت** تعارضی نیست، بلکه دلیل حاکم همواره چیزی به مفاد دلیل محکوم می‌افزاید و میان آن دو تنافی نیست. [۶] [۷] [۸]

## تعریف حکومت به معنای ناظر و مفسر بودن و کاربرد آن

حکومت به معنای نخست اصطلاحی در **اصول فقه** و از ابتکارات **شیخ انصاری** است و مراد از آن، این است که یکی از دو **دلیل**، سیطره‌گونه و چیره‌دستانه از جهت ادا (بیان مفاد خود) بر دیگری مقدم می‌شود. بنابراین، تقدیم **دلیل حاکم** بر **دلیل محکوم** از جهت **سند** و نیز از جهت **حجیت** نیست؛ بلکه پس از تقدیم یکی از دو دلیل بر دیگری، نیز هر دو بر حجیت خود باقی‌اند؛ چرا که هیچ کدام دیگری را تکذیب نمی‌کند تا **تعارض** پدید آید و یکی از حجیت بیفتد، مانند مفاد این **روایت** که با حفظ امام نسبت به عدد **رکعات**، شکی برای **مأموم** نیست. بنابراین، اگر مأموم بین سه و چهار **شک** کند، ولی امام به یکی از دو طرف **علم** داشته باشد، مأموم نباید به شک خود **اعتنا** کند. در نتیجه، دلیلی که موضوع (**شک**) را **تعبدی**- و نه وجدانی- در صورت حفظ امام برای مأموم نفی می‌کند، بر دلیلی که وظیفه **شاک** را بنا گذاشتن بر اکثر می‌داند حکومت دارد، بدون اینکه با آن تعارضی داشته باشد.

**دلیل حاکم**، گاه مفسر موضوع دلیل محکوم است و گاه مفسر محمول آن؛ چنان که گاه دایره موضوع یا محمول **دلیل محکوم** را تنگ می‌کند، مانند مثال یاد شده، و گاه وسعت می‌بخشد، مانند دلیلی که می‌گوید: **طواف کعبه**، **نماز** است نسبت به دلیلی که بیانگر احکامی خاص برای نماز است، که **دلیل حاکم**، موضوع دلیل محکوم (نماز) را توسعه داده است. [۹]

## شباهت و تفاوت حکومت و تخصیص

کاربرد حکومت در جایی که دایره موضوع دلیل محکوم را تنگ می‌کند، کار کرد تخصیص است، با این تفاوت که در **تخصیص**، اخراج، **حقیقی** و **عام** بر ظهور ذاتی خود باقی است، لیکن در حکومت، اخراج، تنزیلی و ادعایی است، به گونه‌ای که برای **ظهور** ذاتی‌ای در عموم باقی نمی‌ماند.

## تفاوت حکومت و ورود

در حکومت، خروج مدلول دلیل حاکم از موضوع مدلول دلیل محکوم، حکمی و تنزیلی است، نه وجدانی و حقیقی؛ لیکن در **ورود** خروج، حقیقی است، هرچند با عنایت **تعبد**. [۱۰] [۱۱] [۱۲] [۱۳]

## تعریف حکومت در مقابل کشف و کاربرد آن

حکومت به معنای دوم نیز در **اصول فقه**، بحث **انسداد** در مقابل **کشف** به کار رفته و مراد از آن، **حکم عقل** به حجیت **ظن مطلق** در فرض انسداد باب علم است. [۱۴] [۱۵]

## مقالات مرتبط

- حکومت اسلامی
- حکومت و ورود
- احکام حکومتی
- حکومت (فضا)
- حکومت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی
- حکومت از دیدگاه فلاسفه

## پانویس

- ↑ اصول الاستنباط، حیدری، علی نقی، ص ۲۰۰.
- ↑ دروس فی علم الاصول، صدر، مجد باقر، ج ۲، ص ۵۴۹.
- ↑ انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲، ص ۵۰۲.
- ↑ کفایة الاصول، فاضل لنکرانی، مجد، ج ۶، ص ۱۲۱.
- ↑ شرح اصول فقه، مهدی، علی، ج ۲، ص ۴۲۰.
- ↑ اجود التقريرات، نائینی، مجد حسین، ج ۲، ص ۵۰۶.
- ↑ کفایة الاصول، آخوند خراسانی، مجد کاظم بن حسین، ص ۴۹۶.
- ↑ فرائد الاصول، انصاری، مرتضی بن مجد امین، ج ۳، ص ۲۱۴.
- ↑ اصول الفقه ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۷.
- ↑ نهایة الافکار، عراقی، آقا ضیاء الدین، ج ۴، قسم ۲، ص ۱۶-۱۷.
- ↑ منتهی الاصول، ج ۲، ص ۲۰-۲۲.
- ↑ منتهی الاصول، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۶.
- ↑ اصول الفقه، مظفر، مجد رضا، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۸.
- ↑ فرائد الاصول، انصاری، شیخ مرتضی، ج ۱، ص ۴۶۵-۴۶۶.
- ↑ فرائد الاصول، انصاری، شیخ مرتضی، ج ۱، ص ۵۱۶.

## منبع

فرهنگ نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۴۳۳، برگرفته از مقاله «حکومت».  

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۲۶۵.

